



## در سایه ادامه نگاه تصدی‌گری دولت صورت می‌گیرد؛ گردش کند چرخ‌های خصوصی سازی

خروج از اقتصاد دولتی و کاهش تصدی‌گری دولت موضوعی است که شاید بیشتر بحث‌های اقتصادی کشور در سال‌های اخیر حول آن صورت گرفته است. اما تنها چندی است که به نظر می‌رسد تحرکاتی مبنی بر اجرایی شدن آن در حال انجام است که بالاخره گفته‌ها را به عمل بدل خواهد کرد.

براساس ابلاغیه سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی که سال گذشته نیز به تصویب مجلس رسید، سهم تصدی‌گری دولت در مدت ۱۰ سال باید به ۲۰ درصد کاهش یابد و باقی به بخش خصوصی واگذار شود.

بی‌شک حصول چنین نتیجه‌ای تحولی شگرف در اقتصاد کشور ایجاد خواهد کرد، اما باید توجه داشت که لازمه موفقیت در هر تصمیمی، ایجاد زمینه‌ها و بسترهای لازم و مورد نیاز آن است و بدون در نظر گرفتن این ملزومات، انتظار تحقق هدف امری بیهوده خواهد بود.

هم‌اکنون نیز برخی معتقد هستند که با وجود ابلاغ این قانون به دستگاه‌های دولتی و شروع

واگذاری‌ها، انجام خصوصی‌سازی روند کندی را طی می‌کند که ناشی از تغییر نکردن نگاه دولت و نبود زمینه‌های لازم برای حضور بخش خصوصی است.

به همین منظور به سراغ چند تن از فعالان بخش خصوصی در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران رفتیم و نظر آنها را در مورد ابعاد مختلف روند اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ جویا شدیم که شرح آن از این قرار است.

**فاروق کیخسروی، رییس کمیسیون تجارت اتاق ایران** اعتقاد دارد به سبب اینکه اقتصاد کشور سال‌ها دولتی مدار بوده است، علیرغم تصمیم مسوولان ارشد دولت مبنی بر واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی به نظر می‌رسد مسوولان رده‌های پایین‌تر چندان تمایلی به انجام این کار ندارند.

به گفته وی، مسئله مهم دیگر در این امر، حضور بانک‌ها است زیرا در تمام دنیا بخش

خصوصی بدون کمک و تسهیلات بانکی نمی‌تواند سرمایه‌گذاری انجام دهد و بانک باید به عنوان تامین کننده مالی در کنار بخش خصوصی حضور داشته باشد.

به عقیده رییس کمیسیون تجارت اتاق ایران، یکی از مسائل و مشکلات دیگر در روند خصوصی سازی این است که مدیریت سهام عدالت در دست دولت است و برای حل این معضل باید مکانیزمی طراحی شود تا واگذاری این سهام خللی در امر خصوصی سازی ایجاد نکند و انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی باقی بماند، زیرا به طور یقین، بخش خصوصی باید در فضای رقابتی کار کند، اما این فضا در حال حاضر وجود ندارد و تا زمانی که ۸۰ درصد اقتصاد در دست دولت است نیز شکل نخواهد گرفت.

کیخسروی این عوامل را مرتبط با هم می‌داند و معتقد است یک طرفه نمی‌شود عمل کرد و به نتیجه رسید بلکه مجموعه‌ای از زمینه‌ها در کنار یکدیگر فضای مطلوب را ایجاد خواهند کرد.

وی همچنین در مورد تاسیس بانک‌های دولتی و خصوصی کردن بانک‌های دولتی عقیده دارد که هم اکنون با توجه به حجم بالای سرمایه بانک‌های دولتی، بخش خصوصی قادر به خرید آنها نیست اما اگر این بانک‌ها به چند بانک تجزیه شوند، قدرت خرید مردم بالاتر می‌رود، ضمن اینکه حجم فعالیت بانک‌های خصوصی در مقابل بانک‌های دولتی بسیار ناچیز است و توان رقابت در آنها وجود ندارد.

کیخسروی ادامه داد: باید شرکت‌های زیان ده کنار گذاشته شوند و تنها شرکت‌های سود ده برای واگذاری انتخاب شوند و مبنای قیمت گذاری براساس سود آوری آنها باشد و تنها در این صورت است که به عدالت نزدیک می‌شویم.

وی همچنین گفت: نگاه دولت به خصوصی سازی و واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی نگاهی درآمد زا است و سود بخش خصوصی در نظر گرفته نمی‌شود، در صورتی که منافع دولت بیشتر در این است که بخش خصوصی فعالی وارد شود تا بتواند مالیات بیشتری بپردازد.

**ابوالفضل شریف**، نایب رییس اول کمیسیون صادرات نیز در خصوص روند اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ عقیده دارد. بخش خصوصی در این مورد اعلام آمادگی کرده اما بستر سازی مناسب که در خور تحقق اهداف این اصل که هدف واقعی آن سبک و کوچک شدن دولت است، هنوز انجام نشده است و نسبت فعلی که ۸۰ تا ۸۵ درصد شرکت‌ها دولتی هستند و تنها ۲۰ درصد در اختیار بخش خصوصی است، باید برعکس شود.

به گفته وی، بخش خصوصی توانایی و تجربه لازم را دارد اما دولت باید انتقال مدیریت کند و تنها نقش نظارت و حمایت داشته باشد، اما اکنون مدیران و مسوولان دولتی و بدنه اجرایی دولت چندان در این خصوص توجیه نشده‌اند و بستر مناسبی برای ورود بخش خصوصی ایجاد نشده است. از سوی دیگر، توجه به نقدینگی و تضمین‌های بانکی نیز در تحقق این امر نیز بسیار مهم است و خود دولت باید ضمانت بخش خصوصی را به عهده بگیرد.

شریف همچنین در خصوص سهام عدالت و شیوه واگذاری آن می‌گوید: براساس برنامه ریزی، سهام عدالت باید به کارمندان، بازنشستگان و توده مردم واگذار می‌شد اما انجام این کار نیازمند مدیریتی بسیار عالی و قوی است و باید مشخص شود که بهای تمام شده آن چگونه برای صاحب شرکت تامین خواهد شد؟

اکنون مدیریت حساب شده‌ای در این خصوص وجود ندارد و اگر دولت مصمم به واگذاری است، باید خیلی پایبند به بازپرداخت اصل سهام نباشد.

از سوی دیگر، راه بازگشت سرمایه آن به کلی نامفهوم است و مردم باید در این خصوص توجیه شوند.

وی در مورد شیوه قیمت گذاری و آزادسازی اقتصاد معتقد است: در مسائل اقتصادی هیچ برنامه‌ای بالاتر از آزادسازی نیست و باید بستری رقابت‌پذیر به وجود آید، زیرا زمانی که عرضه و تقاضا در مقابل هم قرار می‌گیرند، کیفیت بالا می‌رود و بهای کالا برای مصرف کننده پایین می‌آید و اگر چنین شرایطی به وجود بیاید بسیاری از مسایل و مشکلات حل می‌شود، اما اکنون نظام قیمت گذاری در کشور موجه نیست.

به عقیده نایب رییس اول کمیسیون صادرات در مورد مجوز تاسیس بانک به بخش خصوصی و یا خصوصی کردن بانک‌های دولتی، اگر بانک‌های دولتی خصوصی شوند به طور قطع خدمات بانکی در سطح بالاتری قرار می‌گیرد و مشتری مداری به وجود می‌آید. اکنون بانک‌های خصوصی با وجود گرفتن بهره بالاتر، مراجعین بیشتری دارند، زیرا تکریم ارباب رجوع می‌کنند اما در بانک‌های دولتی شرایط اینگونه نیست و کاغذ بازی و سرگردانی برای گرفتن خدمات در بانک‌های دولتی بسیار زیاد است.

شریف در خصوص توجه به مشتری یابی برای واگذاری شرکت‌های دولتی تاکید می‌کند که در موارد بسیاری کارخانه‌ها و شرکت‌های زیان ده و با بدهی انبوه برای واگذاری به بخش خصوصی در نظر گرفته شده بود، در صورتی که چون بخش خصوصی خود ضامن حفظ سرمایه خود است در

شرایطی که برایش سود دهی نداشته باشد، سرمایه‌گذاری نمی‌کند.

متاسفانه مشتری یابی هنوز به صورتی که در تمام دنیا مرسوم است، انجام نمی‌شود بدین معنی که در سطح بین المللی واگذاری از طریق اعلامیه و بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی به کشور مربوط می‌آیند و سرمایه‌گذاری می‌کنند، اما کشور ما باید در این موارد بیشتر کار کند و حتی مراکز ایجاد کند که تمام مشخصات و جزئیات کارخانه یا شرکت اعم از مقدار بدهی، تعداد کارگران و آخرین سود و زیان و دیگر موارد به خریدار به صورت شفاف اعلام شود.

وی همچنین در خصوص شیوه قیمت گذاری تاکید دارد که تاکنون برنامه‌ریزی خوبی در این خصوص انجام نشده است و بسیاری از شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی قابل واگذاری قیمت پایه ندارند که این شرایط برای بخش خصوصی درد سر ساز است. بنابراین نحوه قیمت گذاری باید کارشناسی عادلانه شود و قیمت‌ها تعدیل شود و برای انجام این امر باید از کارشناسان قسم خورده که بیشتر از تمایل خدمت به دولت، تمایل خدمت به جامعه را دارند، استفاده کرد.

نایب رییس اول کمیسیون صادرات، نگاه درآمد زای دولت به واگذاری‌ها را تایید می‌کند و عقیده دارد: نسبت سهام مردم و بخش خصوصی و دولت باید عکس شود و به طور قطع کسی که با به برنامه‌ای خاص، بار سنگینی از دوش دولت بر می‌دارد، باید سود ببرد و اگر تنها نگاه این باشد که دولت سود ببرد، بدنه جامعه ضعیف خواهد شد.

**مهدی جاریانی**، نایب رییس دوم کمیسیون سند چشم انداز و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز خصوصی سازی را امری بسیار پیچیده و بلند مدت می‌داند و معتقد است: باید فرهنگ سازی لازم در این خصوص انجام و زمینه‌های لازم ایجاد شود.

به گفته وی، هم اکنون در واگذاری‌ها تنها به مفهوم فروش سهام شرکت‌های دولتی اتکا می‌شود، اما به ایجاد زیرساخت‌های لازم برای بخش صنعتی توجهی نمی‌شود.

جاریانی می‌گوید آزاد سازی اقتصادی نکته بسیار مهمی است که باید هم زمان با اصل ۴۴ انجام شود زیرا اگر قرار باشد بخش خصوصی سرمایه‌گذاری سنگین انجام دهد اما کنترل آن را دولت به دست گیرد، کسی از این شرایط استقبال نخواهد کرد.

وی ایجاد فرهنگ لازم و توجه به نقدینگی را در امر خصوصی سازی بسیار مهم می‌داند و می‌گوید: نقدینگی به این وسعت که مورد نظر دولت است، در بخش خصوصی وجود ندارد و اگر قرار باشد شرکت‌ها به صورت نقد و با درصدهای



### ✓ مهدی جاریانی:

خصوصی سازی و آزاد سازی باید با هم و همزمان انجام شود و اکنون اعمال کنترل و تعیین قیمت بیشتر حالت دستوری دارد و قیمت بسیاری از اقلام مصرفی و مورد نیاز مردم به وسیله دولت تثبیت می شود.

شیوه مشتری یابی مربوط به شرکت‌هایی است که ساختار بورسی ندارند.

جاریانی درخصوص شیوه قیمت گذاری‌ها توضیح داد که قیمت گذاری‌های دولت به طور معمول با حسابرسی انجام می‌شود و موسسات مورد اعتماد و حسابداران قسم خورده ساختار شرکت قابل واگذاری را بررسی می‌کنند و براساس فرمول‌های استاندارد قیمت گذاری می‌شود که به طور معمول ۵ درصد سهام در بورس عرضه می‌شود و قیمت براساس عرضه و تقاضا اعلام می‌شود و اگر قیمت بالا باشد، اعتراض بخش خصوصی به عنوان تقاضا وارد مقوله قیمت‌گذاری می‌شود و قیمت جدید داده می‌شود و در واقع عرضه و تقاضا قیمت را تعیین می‌کند.

وی نگاه درآمد زای دولت به امر واگذاری را رد می‌کند و اعتقاد دارد هدف والا تری در این امر وجود دارد که مربوط به مجلس شورای اسلامی و تاکید مقام معظم رهبری و مبنی بر این است که دولت از امور اقتصادی کنار رفته و براساس برنامه‌های منظمی در مدت ۱۰ سال، تصدی و حاکمیت خود را در امور اقتصادی به ۲۰ درصد برساند.



### ✓ ابولفضل شریف:

در مسائل اقتصادی هیچ برنامه‌ای بالاتر از آزادسازی نیست و باید بستری رقابت پذیر به وجود آید، زیرا زمانی که عرضه و تقاضا در مقابل هم قرار می‌گیرند، کیفیت بالا می‌رود و بهای کالا برای مصرف کننده پایین می‌آید.

کنترل و تعیین قیمت بیشتر حالت دستوری دارد و قیمت بسیاری از اقلام مصرفی و مورد نیاز مردم به وسیله دولت تثبیت می‌شود، در صورتی که در اقتصاد اگر عرضه و تقاضا با هم برابر باشد، نیازی به تثبیت قیمت نیست.

وی همچنین درخصوص ایجاد بانک به وسیله بخش خصوصی و یا خصوصی کردن بانک‌های دولتی می‌گوید: در تمام دنیا ابتدا موسسات مالی دولتی خصوصی می‌شود و سپس بخش خصوصی با کمک آنها در عرضه خصوصی سازی قرار می‌گیرد. اگر بخش خصوصی بانک ایجاد کند، مانند این است که یک سرمایه‌گذاری با بازدهی طولانی مدت انجام داده است بنابراین اگر بانک‌های موجود که چندین سال سابقه فعالیت دارند، به بخش خصوصی واگذار شوند، اولی تر است و دولت باید به جای عرضه شرکت‌ها، ابتدا چند بانک را عرضه کند.

نایب رییس دوم کمیسیون سند چشم انداز و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در مورد اعمال شیوه مشتری یابی برای خرید سهام شرکت‌های دولتی معتقد است که در برخی موارد از شیوه رو در رو با خریداران استفاده می‌شود و در دیگر حالت‌ها، سهام دولتی از طریق بورس عرضه می‌شود و

### ✓ فاروق کیخسروی:

به سبب اینکه اقتصاد کشور سال‌ها دولتی مدار بوده، به رغم تصمیم مسوولان ارشد دولت مبنی بر واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به نظر می‌رسد مسوولان رده‌های پایین تر چندان تمایلی به انجام این کار ندارند.

بالا به فروش برود، کسی استقبال نخواهد کرد و دولت ناچار به کاهش قیمت خواهد شد. دولت باید از خریدار سهام خود حمایت کند و این مساله در تمام دنیا جایگاه ویژه‌ای دارد و به این منظور بانک‌های سرمایه‌گذاری ایجاد شده که به خریداران تسهیلات خرید اعطا می‌کند.

وی از سوی دیگر تاکید دارد که نباید در امر خصوصی سازی عجله کرد و انتظار داشت اقتصاد ۸۰ درصدی دولتی در مدت زمان کوتاه تغییر کند، بلکه این امر باید به مرور زمان و در روال منطقی صورت گیرد.

به عقیده جاریانی ایجاد تمایل جدی دربخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری کلان به عهده مدیریت شرکت‌ها است و اگر ایجاد نشود، مانعی جدی در امر خصوصی سازی محسوب می‌شود؛ اما اگر به این شرایط برسیم که ۴۰ درصد سهام در اختیار بخش خصوصی و ۲۰ درصد در اختیار شرکت‌های استانی و ۲۰ درصد در اختیار تعاونی‌ها باشد (اگر تعاونی‌ها را به عنوان بخش خصوصی بپذیریم)، ۲۰ درصد در اختیار دولت باقی می‌ماند که نشان می‌دهد هدف اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ محقق شده است.

به گفته جاریانی، خصوصی سازی و آزاد سازی باید با هم و همزمان انجام شود و اکنون اعمال

